

The Semantic Contestation of the Concept of “Revolution” in Iranian Dramatic Literature of the 1980s

Abstract

Among significant concepts in contemporary Iranian history—one that has extensive application across political, social, religious, and other domains, and consequently has acquired multiple layers of semantic meaning—is the concept of “revolution.” Although this concept first appeared in plays during the Qajar era, the present article examines this as a foundational, trend-setting concept within the plays of the 1360s (1980s) decade, works profoundly shaped by the Islamic Revolution of Iran. According to the author's findings, more than seventy plays written during this decade employed the concept of revolution, explicitly or in language free of an historical interpretation, owing to their ideological affiliation with various offshoots of Marxism or with Islamist currents linked to the Islamic Revolution (1979). To avoid a generic ideological reading, however, this study focuses on fourteen plays whose treatment of the concept was semantically clearer and unambiguous. These plays were published with the support of the Ministry of Culture and Islamic Guidance or of newly established institutions such as the Howzeh-ye Honari (Arts Bureau) and the Jihad-e Daneshgahi (Academic Jihad Organization), a fact that may itself indicate a meaningful relationship between these works and the revolutionary thoughts and practices governing the state and its institutional apparatus during the period. This article's central problem, however, is that—owing to the diverse intellectual orientations of the playwrights and to the varied uses and connotations attached to this historically laden, frequently recurring concept—the concept of revolution was not employed with a single, stable meaning across all plays during the aforementioned period. Rather, it acquired class-based, religious, historical (contemporary or older), and even transnational connotations. This suggests that, within the trending popularity of revolutionary drama, synonymous yet mutually contradictory meanings of revolution coexisted. More precisely, although the subject of revolution was used in many plays during this time, playwrights did not represent a single, unified meaning of the concept; and on closer scrutiny, the meanings attributed to revolution in different plays stood in tension and contradiction with one another. At the same time, it becomes evident that as this time frame (approximately a decade) approaches its end, such instances of semantic synonymy and contradiction gradually diminish, until a single meaning grounded in Islamic ideology comes to prevail over competing approaches. To elucidate this problem, the author is guided by two central research questions: the meaning of the concept of revolution in the plays and the interpretations playwrights provide in their plays. To research these questions, the study draws on Reinhart Koselleck's theory of conceptual history (Begriffsgeschichte), subjecting the revolutionary concept of “revolution” to critical examination within the domain of dramatic literature. According to this framework, grasping the historical meaning of foundational

Received: 03 May 2025

Received in revised form: 30 Apr 2026

Accepted: 27 Jul 2026

Erfan Nazer 

Assistant Professor, Department of Performing Arts, College of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran.

E-mail: erfan.nazer@ut.ac.ir

<https://doi.org/10.22059/jfadram.2025.390719.616057>

concepts requires that the researcher, beyond relying on historical semantic knowledge, adopt both diachronic and synchronic approaches, so that a foundational, multilayered concept such as revolution can be examined within its own historical trajectory and in relation to other contemporaneous concepts. The concept must then be critically analyzed so that the attributed definitions by the political leadership and intellectuals of the period may be revealed, allowing the semantic layers and the contestation over meaning to be explained historically and with reasoned argumentation as they unfolded within the revolutionary plays. On this basis, the research method requires that analysis of the concept take into account the transformation of social structures, the formation of new institutions of surveillance and power, the views of political leaders and intellectuals whose ideas influenced society and shaped policies and laws, foundational documents such as the Constitution of the Islamic Republic of Iran, and, more broadly, the semantic and social field of the decade as a whole. The study shows that the meaning of revolution, from the beginning to the end of the decade, underwent transformation shaped by Marxist and Islamist orientations. Semantically, the older, pre-existing conception of revolution either recedes entirely or is transformed, giving way to newer meanings extending into other historical and doctrinal domains—including contemporary history, ancient history, and significant religious events. Furthermore, as a foundational concept within the dramatic literature of the 1360s, revolution was subject to sustained semantic and historical contestation across the plays. In this contest over meaning, narrower conceptions—for instance, those emphasizing the actions of the clergy or those centered on ordinary people—either disappeared or were absorbed into broader meanings capable of claiming wider semantic territory. Ultimately, although revolutionary playwrighting of the decade took revolution as its central subject, it was not confined to this thematic role; rather, it simultaneously sought to reconstruct the concept of revolution—ideologically—across both the private and public spheres, thereby sustaining its synchronic dominance over time.

Keywords: conceptual history (Begriffsgeschichte), diachrony, the concept of revolution, Synchronization of asynchronous, the semantic contestation

Citation: Nazer, Erfan. (2026). The semantic controversy of the concept of “revolution” in Iranian dramatic literature of the 1980s. *Journal of Fine Arts: Performing Arts and Music*, 31(3), 9-21. (In Persian)



جدال معنایی مفهوم انقلاب در ادبیات نمایشی دهه ۱۳۶۰ ایران: مطالعه‌ای بر پایه تاریخ مفهوم

چکیده

یکی از مفاهیمی که نمایشنامه‌نویسان دهه ۱۳۶۰ در آثار خود موضوعیت بخشیدند و آن را با اتکا به فهم و باورهای ایدئولوژیک خود تفسیر کردند، مفهوم انقلاب است. اما با بررسی این مفهوم در چهارده نمایشنامه آن دوره، که توسط نمایشنامه‌نویسان قدیمی و

به‌ویژه جدیدی که باورهای ایدئولوژیک داشتند، نوشته شده و مفهوم انقلاب را به روشنی و بدون هرگونه ابهامی به کار برده بودند - آشکار می‌شود که مفهوم انقلاب یک معنا ندارد بلکه واجد دلالت‌های طبقاتی، تاریخی (باستانی یا معاصر)، دینی و فراملی است و اگرچه همزمان و یا در یک دوره در نمایشنامه‌ها به کار می‌رفت، اما معانی ناهمزمان داشت که نشانگر جدالی معنایی در آن برهه از تاریخ ادبیات نمایشی ایران بود. نگارنده در این مقاله با بهره‌گیری از چارچوب نظری تاریخ مفهوم راینهارت کوزلک و اتکا به مبانی نظری آن، معانی مفهوم انقلاب را در آن دهه از ادبیات نمایشی ایران تحلیل خواهد کرد تا در باب معانی این مفهوم، در بستر تاریخی‌اش و همچنین در نسبت با دیگر تفاسیری که از آن مفهوم نزد رهبران سیاسی و روشنفکران آن دوره وجود داشت، روشنگری شود. از نتایج پژوهش این خواهد بود که جدال معانی متعدد و متعارض مفهوم انقلاب از آغاز انقلاب اسلامی تا پایان دهه ۱۳۶۰، به صورت همزمانی ناهمزمان‌ها در ادبیات نمایشی ایران تداوم یافت و منجر به چیرگی معنای قدیم، که مبتنی بر عناصری چون اسلام، امت، بومی - بودن و واقعه کربلا بود، بر معانی دیگر انقلاب، که یا دلالت بر تداوم تجددگرایی و پیوستگی با تمدن جدید غرب داشتند و یا بر گسست از قدیم باستانی یا اسلامی تأکید می‌کردند، شد.

واژه‌های کلیدی: مفهوم انقلاب، تاریخ مفهومی، جدال معنایی، درزمانی، همزمانی ناهمزمان‌ها

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۲/۱۳

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۲/۱۰

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۵/۰۵/۰۵

عرفان ناظر: استادیار گروه هنرهای نمایشی، دانشکده گان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
E-mail: Erfan.nazer@ut.ac.ir

<https://doi.org/10.22059/jfadram.2025.390719.616057>

مقدمه

موضوع این مقاله تبیین تاریخی معنای مفهوم انقلاب در قلمرو ادبیات نمایشی ایران در دهه ۱۳۶۰ خورشیدی است؛ دورانی که کم‌تر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است و بسیاری از نویسندگان این دوره و آثار آنان فراموش شده و در نتیجه از موضوعیت داشتن در مباحث جدی کنونی خارج گردیده‌اند. نگارنده در این مقاله قصد دارد، برای فهم تاریخ و معنای مفهوم انقلاب، درباره جریانی از نمایشنامه‌نویسی معاصر ایران روشنگری کند که توانست در درون مبارزات ایدئولوژیک آن دوره، معانی گوناگونی از مفهوم انقلاب را آشکار کند. برای این هدف، دو پرسش راهنمای نویسنده خواهد بود: معنای مفهوم انقلاب در نمایشنامه‌های دهه ۱۳۶۰ چیست؛ و نمایشنامه‌نویسان ایرانی چه تفسیری از این مفهوم در آثار خود ارائه دادند؟ بهره‌بردن از نظریه تاریخ مفهوم راینهارت کوزلک^۱، فیلسوف تاریخ آلمانی، می‌تواند در این مسیر راهگشا باشد؛ زیرا کوزلک (۲۰۰۶) تأکید می‌کند مفهوم را باید در زمینه و زمانه تاریخی خودش فهم و تعریف کرد؛ ایستادن و حرکت کردن در چارچوب تاریخ اجازه نمی‌دهد که پیش‌فرض‌های غیرتاریخی، معیاری برای معنانشناسی تاریخی مفاهیم باشد؛ از همین رو نمی‌توان مفهومی چون انقلاب را با اتکا به معنایی که این مفهوم در فرانسه یا روسیه دارد، در ایران نیز معنایی کرد. اما این نکته بدین معنا نیست که معانی دیگر یک مفهوم، که در تاریخ کشور یا ملتی دیگر پدیدار شده و تحقق یافته‌اند بر معنای یک مفهوم نزد ما تأثیر نگذاشته است؛ زیرا مفاهیم واجد فرایند دیالکتیکی هستند. هرمان لوبه^۲ در خصوص این امر می‌گوید: «مفاهیم طرح‌واره‌های کنش‌های متمایزی هستند که ما از آنان پیروی می‌کنیم، وقتی ما تمایز می‌گذاریم بدین معناست که می‌گوییم - [آن امر متمایز شده] - چه چیزی هست یا نیست. مفاهیم طرح‌واره‌هایی برای کنش‌های متمایز هستند، چیزی شبیه دستور کارهایی که برای استفاده از ابزارها ارائه می‌شوند؛ و طرح‌واره‌ها معطوف به کنش‌های متناظر برای استفاده از یک ابزار به‌شمار می‌آیند» (Lübbe, 1975, p. 10). از تبعات این تمایزات، به وجود آمدن تضاد و تأثیرگذاری سلبی یا ایجابی طرح‌های متمایز بر یکدیگر است که ممکن است موجب پدیدار شدن چیزی دیگر شوند.

در پایان لازم به گفتن است که نگارنده برای پرهیز از هرگونه تفسیر غیرتاریخی تنها بر چهارده نمایشنامه از دهه ۱۳۶۰ تمرکز کرده است که معنای مفهوم انقلاب را روشن و بدون هرگونه ابهامی به کار برده‌اند. از سویی دیگر بیشتر این آثار با حمایت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و یا نهادهای نوپدیدی چون حوزه هنری و جهاد دانشگاهی به چاپ رسیده بودند که خود می‌تواند دلالت بر نسبت معنادار این آثار با اندیشه و اعمال انقلابی حاکم بر دولت و دیگر دستگاه‌های تبلیغی و فرهنگی آن دوره داشته باشد. از میان این چهارده اثر، پنج نمایشنامه مربوط به سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۹ هستند؛ زیرا به‌طور مشخص معنایی از مفهوم انقلاب را آشکار ساختند که هم مرتبط با رویداد تاریخی سال ۵۷ بودند و هم معنایی را در بستر ادبیات نمایشی آن سال‌ها پدید آوردند، که پس از سال ۱۳۶۰ تداوم یافتند و سپس از میان رفتند و یا در معانی دیگر انقلاب مستحیل شدند.

روش پژوهش

این پژوهش با رویکردی کیفی و با روشی توصیفی تحلیلی انجام شده

است. گردآوری داده‌ها به شیوه مطالعات کتابخانه‌ای و بر مبنای تحلیل معنای انقلاب در نمایشنامه‌های دهه ۱۳۶۰ با بهره‌گیری از مبانی نظری تاریخ مفهوم راینهارت کوزلک انجام گرفته است. بر مبنای مقتضیات مبانی نظری، روش پژوهش ایجاب می‌کند که تحلیل مفهوم انقلاب در نمایشنامه‌ها، با توجه به دگرگونی‌های ساختار اجتماعی، شکل‌گیری نهادهای جدید نظارت و قدرت، نظریات رهبران سیاسی و روشنفکرانی که عمل و نظرشان در جامعه و شکل‌گیری سیاست‌ها و قوانین تأثیرگذار بودند، اسناد بنیادی چون قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، و به طور کل میدان معنایی و اجتماعی دهه ۱۳۶۰، انجام شود. از همین رو مفهوم انقلاب، به صورت همزمان، هم در قلمرو نمایشنامه‌ها و هم در قلمروهای کلان‌تر اجتماعی و سیاسی بررسی خواهد شد تا در خصوص نسبت‌ها و جدال‌های معنایی این مفهوم، به لحاظ تاریخی، روشنگری شود.

پیشینه پژوهش

نگارنده در جستجوی خود در خصوص موضوع انقلاب در ادبیات نمایشی دهه ۱۳۶۰ به وجود دو مقاله دست یافت؛ اما موضوع هیچ‌یک از این آثار تبیین «تاریخ مفهومی» انقلاب و معنانشناسی آن نبوده است. بهروز محمودی بختیاری و نیلوفر زارع (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «بازتاب مفهوم انقلاب ۱۳۵۷ در نمایشنامه آهسته با گل سرخ با تکیه بر آرای میشل فوکو» به تعریف مفهوم انقلاب بر اساس نظریه میشل فوکو پرداخته‌اند و با بررسی نمایشنامه آهسته با گل سرخ بر آن مبنای نظری به این نتیجه دست یافته‌اند که «شیوه نگارش رادی به مفاهیم انقلاب و بازتاب آن در نمایشنامه، با نظریات فوکو و تحلیل او در مورد انقلاب همخوانی دارد» (محمودی بختیاری و زارع، ۱۳۹۷، ۲۶) زیرا هر دو این نویسندگان انقلاب ایران را انقلابی می‌دانستند که «توسط اعمال نیرو از قشر پایین جامعه به اقشار بالا صورت می‌گیرد» (محمودی بختیاری و زارع، ۱۳۹۷، ۲۶) و مرجان پورغلامحسین و میرمحمد رضا حیدری (۱۳۹۷) نیز در بخشی از مقاله خود با عنوان «تحلیل جریان‌های غالب متأثر انقلابی در ایران با تکیه بر گفتمان‌های فکری، فلسفی مؤثر در سال‌های پیش از انقلاب» به تأثیر اندیشه‌های علی شریعتی، سیداحمد فرید و سیدحسین نصر بر نمایشنامه‌نویسان دهه شصت می‌پردازند. از نظر نویسندگان مضامینی چون «آرمان‌گرایی، برابری طلبی، مبارزه»، «تقابل با تفکر غرب» و «تقابل با مدرنیته» (پورغلامحسین و حیدری، ۱۳۹۷، ۱۰۹) که منشعب از اندیشه روشنفکران و متفکران یادشده هستند، در آثار نمایشی نمایشنامه‌نویسان یادشده بازتاب یافته بودند.

مبانی نظری پژوهش

کوزلک در باب روش‌شناسی تاریخ مفهوم می‌گوید: «روش این دانش که منتج از هدفش است، روشی است تاریخی مفهومی» (Koselleck, 1974, pp. XX)؛ هدف تاریخ مفهوم بررسی تاریخی تحولات معنایی مفاهیم در دوره جدید است. از همین رو، تاریخ مفهوم، در وهله نخست، نیازمند روشی تاریخی است که بر پایه پنج مؤلفه زیر بنا شده است؛ پیش از آن لازم به ذکر است که به جهت تدقیق در موضوع و چگونگی کاربرد این مؤلفه‌ها در تحلیل داده‌ها، توضیحاتی نیز ارائه خواهد شد.

۱. نام‌شناسی^۳ و معنانشناسی^۴: دانش معنانشناسی همه معانی یک اصطلاح را جستجو می‌کند؛ بر زمینه‌هایی که واجد ساختارهای سیاسی و اجتماعی

هستند، تمرکز می‌کند و تغییرات آن‌ها را از نظر می‌گذراند. اما برای دست‌یابی به معانی ابتدا باید «نام» را در ذیل دانش نام‌شناسی تبیین کرد. این دانش که به جمع‌آوری نام‌ها و تحلیل چگونگی روند آنان می‌پردازد نشان می‌دهد که در وقایع جدید سیاسی و اجتماعی یا از نام‌های قدیم در معنایی جدید استفاده می‌شود و یا از نامی جدید و تازه تأسیس؛ نام‌شناسی هر دو این تحولات و پدیدارشدن‌ها را مورد مطالعه قرار می‌دهد (Kosel- leck, p. 1974). بر همین اساس ابتدا نیاز است که به نام انقلاب، به لحاظ واژه‌شناسی، تعریف شوند و معادل‌ها و دلالت‌هایی که برای این نام در فرهنگ لغات قدیم و جدید به کار رفته بوده است، مشخص گردند؛ برای این امر، معنای واژه انقلاب در ادبیات قدیم نیز مورد بررسی قرار خواهد گرفت، تا سپس نشان داده شود که نام انقلاب، در دوره قدیم محتوایی قدیم داشت اما در دوره جدید اگرچه صورت قدیمش حفظ شد، اما محتوایش جدید شد.

۲. واژه و مفهوم: کوزلک (۱۹۷۴) در مقدمه جلد نخست مفاهیم بنیادین تاریخی در زبان آلمانی نگاشت آشکارا به تمایز واژه و مفهوم اشاره کرده است. از نظر او مفهوم نقش واسطه دارد و واژه (نشانه) و مصداق به عنوان علت و غایت یک پدیده عمل می‌کنند (Koselleck, 2006). در روش تاریخ مفهوم، مفهوم حالت استعلایی واژه است؛ واژگان معنایی روشن و مشخص دارند و همواره به یک «امر معناشده»^۵ دلالت دارند. اما شرط ضروری مفهوم این است که چندمعنایی و مبهم باشد. مفهوم، فراگیری دارد و برخلاف واژه «معنا» و «امر معناشده» را همزمان با یکدیگر در بر می‌گیرد. از همین رو است که به قول کوزلک «معانی واژه‌ها، به وسیله تعاریف، می‌توانند به‌طور دقیقی مشخص شوند، اما مفاهیم تنها می‌توانند تفسیر شوند» (Koselleck, 1974, pp. XXIII- XXII). استعلایی واژه به مفهوم در خصوص مفهوم انقلاب همزمان با دوره جدید در ایران رخ داده است؛ در بخش مربوط به «مفهوم انقلاب در تاریخ آغازین ادبیات نمایشی ایران»، به صورت فشرده، به شکل‌گیری لایه‌های معنایی مفهوم انقلاب و دلالت‌های گوناگون آن اشاراتی خواهد شد تا نشان داده شود که انقلاب به دلیل وجود معانی گوناگون، به مفهوم استعلا یافته است و دیگر مانند دوره قدیم، یک واژه نیست.

۳. در زمانی و همزمانی؛ همزمانی ناهمزمان‌ها: اصل در زمانی، یعنی معنا یا معانی مفهوم را در تاریخ خطی مستند و مستدل کردن تا «تاریخ» مفهوم، به لحاظ معنایی، چیستی و چگونگی تحول خود را آشکار کند؛ جدای از این باید توجه داشت که مفاهیم اگر چه معنا، کارکرد و مصادیق آنان نسبت به گذشته‌شان و نیز با یکدیگر متفاوت است، اما حرکت متغیر آنان همزمان هم است؛ پس روی دیگر این در زمانی، همزمانی است؛ اما میان مفاهیم همزمان، می‌تواند ناهمزمانی و به عبارتی دیگر دلالت‌های متفاوت و متعارض وجود داشته باشد. پس شناخت معانی یک مفهوم بدین معنا است که باید «اصل همزمانی ناهمزمان‌ها را [نیز] تبیین کرد» (Kosel- leck, 1974, p. XXI). این مؤلفه در مهمترین بخش، که تبیین و تفسیر معنا مفهوم انقلاب در ادبیات نمایشی دهه ۱۳۶۰ است، کاربرد خواهد یافت؛ بدین صورت که مفهوم انقلاب هم به صورت در زمانی در نمایشنامه‌ها و هم به لحاظ همزمانی در نظرات رهبران سیاسی و روشنفکری، دگرگونی‌های اجتماعی، قوانین و اسناد معناشناسی می‌شود تا لایه‌های گوناگون معنایی مفهوم انقلاب و نیز جدال‌های معنایی آشکار شوند.

۴. رویکرد انتقادی-تاریخی: انتقادی بودن در این روش دلالت بر آشکار کردن ساخت ایدئولوژیک زمینه، و پدیده مستقر در آن دارد؛ به‌طوری که نظام ایدئولوژیک پنهان در پدیده آشکار شود. این رویکرد آشکار می‌کند که معنا، هویت خود را تنها از واژه اخذ نمی‌کند؛ بلکه از موقعیت یا مصداقی که به آن دلالت دارد نیز، بهره می‌برد. معنا در گستره میدان اجتماعی^۶، که به‌زعم کوزلک عرصه مواجهه دو گانه‌هایی چون من/ دیگری، دوست/ دشمن، انقلاب/ ضدانقلاب و غیره است، حاضر می‌شود؛ در این عرصه مفاهیم و پادمفاهیم «یکدیگر را تعریف کنند» و «ویژگی متفاوت [یک مفهوم] آشکار می‌شود» (Koselleck, 2006, p. 176). این رویکرد نیز در تمام تفسیری که در ادامه خواهد آمد، وجود خواهد شد؛ بدین صورت که برای معناشناسی مفهوم انقلاب علاوه بر دلالت‌هایی که دارد، بر مفاهیمی که در تضاد با آن هستند، یعنی پادمفاهیم، نیز تأکید می‌شود تا از طریق این دو گانه‌سازی بتوان حدود معنایی مفهوم انقلاب را در درون میدان اجتماعی این دوره تبیین کرد.

۵. همگرایی^۷ تاریخ و مفهوم: از نظر کوزلک (۱۹۷۴) هر رویدادی، زمانی می‌تواند تبدیل به تاریخ شود که فرآیند مفهومی شدن را سپری کند. یعنی فراگیر شود، توسط کنش گران گوناگون مورد توجه قرار گیرد، معناهای گوناگونی را پدیدار سازد تا در نهایت بتوان آن را صورت‌بندی کرد و ویژگی‌های تاریخی‌اش را نشان داد. همگرایی تاریخ و مفهوم بر این تأکید می‌کند که آنچه در تاریخ روایت می‌شود، روایت تاریخی مفهوم است؛ مفاهیمی که ممکن است بخشی از معنا و کارکرد گذشته خود را همچنان حفظ کند، یا معنایی جدید را با خود حمل کنند و یا با مفهومی دیگر ترکیب شوند و تجارب و افق‌های جدیدی را آشکار سازند؛ این مؤلفه در بخش نتیجه‌گیری نمود روشنی خواهد یافت. در این بخش روایتی تاریخی از طریق مفهوم، و جدال‌های معنایی آن در یک دوره مشخص از تاریخ ادبیات نمایشی ایران ارائه خواهد شد و نیز روشن خواهد شد که در این جدال کدام یک از معانی و کارکردهای قدیم و یا جدید توانستند بر یکدیگر چیره شوند.

یافته‌ها

نام‌شناسی و معناشناسی واژه انقلاب

در این بخش ابتدا در معنای واژه انقلاب تمرکز خواهد شد و سپس با آوردن نمونه‌هایی از کاربرد این واژه در ادب و اندیشه قدیم مشخص خواهیم کرد که تحولات معنایی این واژه در دوره قدیم چگونه بود؛ به استعلایی معنایی انقلاب از واژه به مفهوم در ادبیات نمایشی دوره قاجار اشاره‌های کوتاهی خواهیم داشت.

نام‌شناسی انقلاب در لغت‌نامه‌ها

انقلاب از ریشه قلب و بر وزن انفعال است. به گزارش لغت‌نامه دهخدا در تاج‌المصادر (قرن ششم) واژه انقلاب به معنای «واگردیدن» است؛ در فرهنگ‌نامه‌های دوره قاجار همچون منتهی‌الارب «برگشتن» و نزد ناظم‌الاطبا «انهدام و شکستگی، اضطراب و بی‌آرامی» معنا شده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ۳۵۷۸). بر اساس ریشه و وزن این واژه، می‌توان گفت که انقلاب، بر اساس لغت‌نامه‌های قدیم، دلالت بر رویدادی دارد که بر آدمی فرود می‌آید؛ امری است ضروری و به اختیار انسان نیست. در فرهنگ فارسی معین نیز از این معنای قدیم این واژه یعنی «تبدیل صورتی به صورت

شده‌اند، باید از میان بروند.

موارد کوتاه یادشده نشان می‌دهند که پیش از آثار دهه ۱۳۶۰، انقلاب در ادبیات نمایشی ایران به عنوان یک «مفهوم» به وجود آمده و واجد لایه‌های معنایی شده بود.

در زمانی و همزمانی؛ همزمانی ناهمزمان‌ها: معناشناسی مفهوم انقلاب در ادبیات نمایشی دهه ۱۳۶۰ (۱۳۵۷-۱۳۶۹)

اکنون با اتکا بر اصل «در زمانی و همزمانی؛ همزمانی ناهمزمان‌ها»، به تحلیل تاریخی معناهای مفهوم انقلاب در ادبیات نمایشی و میدان اجتماعی دهه ۱۳۶۰ خواهیم پرداخت.

معنای مفهوم «انقلاب» در آستانه رخداد انقلاب اسلامی ۱۳۵۷

امام خمینی^(۵) در سال ۱۳۴۳ در *تحریر الوسیله*، مفهوم انقلاب را در چارچوب فقه و در معنای قدیم آن به کار برده است: «[...] اگر زید اقرار کند که آنچه در دستش است مال عمرو بوده و به ناقلی به او منتقل شده است، دعوی، انقلاب پیدا می‌کند و زید مدعی می‌شود و قول، قول عمرو است با قسمش» (خمینی، ۱۳۹۲، ۴۶۱). در این اثر انقلاب به معنای بازگشت به جایگاه نخست و اعاده حق تملک تعریف شده است. بر مبنای این معنای قدیم از انقلاب، امام خمینی^(۶) در پاییز سال ۱۳۵۷، در مصاحبه‌ای که با روزنامه *لوس آنجلس تایمز* داشت، هدف سیاسی انقلاب را چنین بیان می‌کند: «شکل حکومت ما، جمهوری اسلامی است. جمهوری به معنای اینکه متکی بر آرای اکثریت است و اسلامی برای اینکه متکی به قانون اسلام است» (خمینی، ۱۳۸۹ الف، ۱۸۱).

در همان سال، صادق هاتفی در *نمایشنامه ولدگشته* نشان‌دهنده ناهمزمانی معنای مفهوم انقلاب است. او در این نمایشنامه روایت‌گر روشنفکری فراری است که در روستایی بی‌آب، پناه می‌گیرد و می‌کوشد مردم روستایی را از قانون حقیقی، یعنی عدالت به معنای نابود کردن ظلم، آگاه کند: «هر کس قانون خودشو داره. آنها با قانون خودشون ما را میچاپن [...] ما هم قانونی داریم. عدالت. و عدالت باید ظلم را نابود کنه» (هاتفی، ۱۳۵۷، ۲۷). نزد هاتفی برای تحقق عدالت باید بر علیه دولت «مسلح» شد (هاتفی، ۱۳۵۷، ۳۷). مفهوم انقلاب دلالت بر کنش مسلحانه بر ضد آن دولتی دارد که موجب بی‌عدالتی و نابرابری شده است؛ در این امر باید شهر و روستا، روشنفکر مسلح و رعیت، متحد شوند و بر علیه پادشاه مفهوم انقلاب، یعنی ظلم، قیام کنند تا عدالت حقیقی تحقق یابد.^{۱۰} در همان سال، معنای انقلاب در *ولدگشته* در گسست از قدیم آشکار می‌شود و در تضاد با معنای انقلاب نزد امام خمینی^(۷)، که در پیوستگی با قدیم اسلامی است، قرار می‌گیرد.

به لحاظ تاریخ اجتماعی، در پاییز و زمستان ۱۳۵۷ «در حالی که رهبری انقلاب در دست روحانیون تحکیم و تثبیت می‌شد» و دانشجویان و دانش‌آموزان نیز با حضور موثر در درگیری‌های خیابانی «انقلاب را پیش می‌راندند» (متین، ۱۳۹۸، ۴۰۱). انقلاب به معنای شورش‌های خشونت‌آمیز به جهت سقوط دولت و سرانجام نظام پادشاهی تثبیت می‌شد. اصل خشونت به عنوان یکی از عناصر بنیادین کنش انقلابی، در *نمایشنامه دینی-انقلابی* محمود استاد محمد (۱۳۹۶) نیز پدیدار می‌شود. او با اتکا به *سوره کهف* قرآن در *نمایشنامه دقیانوس امپراتور شهر افسوس* روایت‌گر برتری یکنایستی و عدالت‌خواهی بر ضد امپراتور چندخدا و ظالم است. انقلاب

دیگر [...] و آن همان کون و فساد است» لحاظ شده است (معین، ۱۳۸۶، ۲۰۸-۲۰۹). اما در لغت‌نامه‌های چون *لغت‌نامه دهخدا*، معنای سیاسی و نوین انقلاب، که معادلی برای واژه لاتینی *Revolution*^۹ است نیز آورده شده: «شورش عده‌ای برای واژگون کردن حکومت موجود و ایجاد حکومتی نو» (دهخدا، ۱۳۷۷، ۳۵۷۹).

این تغییرات نشان می‌دهند در انتقال نام انقلاب از دوره قدیم به دوره جدید، از حالت انفعالی به درآمده و حاوی سوزده‌های انسانی و فعالی شده است که رو به سوی گشودن افق‌های جدید، فعالیت می‌کنند. پس نام انقلاب اگرچه نامی قدیمی است، اما در دوره جدید صورت قدیمش حفظ، و محتوایش جدید می‌شود. از همین رو می‌توان گفت که واجد همزمانی دو امر ناهمزمان است.

معنای واژه انقلاب در ادبیات و اندیشه قدیم

در اندیشه و ادب قدیم نیز انقلاب معنایی منفی داشت؛ برای نمونه امیر معزی (قرن پنجم) می‌گوید: «ملت پیغمبری هرگز نباید انقطاع/ دولت شاهنشاهی هرگز نبید انقلاب» (امیر معزی، ۱۳۶۲، ۶۴)؛ و یا سوزنی سمرقندی (قرن ششم): «پادشاهی را که باشد همچو فرح وزیر/ ملک او ایمن بود از انقلاب و اختلال» (سوزنی سمرقندی، ۱۳۳۸، ۲۴۴)؛ همچنین خواجه نصیرالدین طوسی (قرن هفتم) در *اخلاق ناصری* آورده است که: «چه اکثر اولاد اغنیا که به ثروت مغرور باشند و از صناعات و آداب محروم مانند بعد از انقلاب روزگار در مذلت و درویشی افتند [...]» (طوسی، ۱۳۶۴، ۲۰۲). در نمونه‌های یادشده انقلاب به عنوان امری منفی و ضد ملت و دولت با دوام، آموختن و آگاهی از توانایی و کارکرد اجتماعی خویش، تلقی می‌شود. این معنای واژه انقلاب در زمانه ورود تجدید به ایران، یعنی در زمان فتحعلی‌شاه قاجار همچنان پایدار بود. قائم‌مقام فراهانی در *منشآت* از واژه انقلاب نیز چنین بهره برد: «شکر و سپاس منت خدای را که بار دیگر باب رحمت بر روی اهل اسلام گشود و نظر رفت بر تابعین سیدانام انداخت و ملک اسلام را از وصفت انقلاب مصون ساخت. کار ملک و دین بکام شد، تیغ حرب و کین در نیام رفت. دل‌های رم دیده رام گردید، روزگار آشفته آرام پذیرفت» (فراهانی، بی‌تا، ۸۵). انقلاب در این نامه، که به وضعیت سیاسی ایران و عثمانی اشاره می‌کند، امری است معیوب و در ضدیت با هماهنگی دولت، دین و ایجاد صلح میان دول همسایه.

از واژه به مفهوم: چندمعنایی مفهوم انقلاب در تاریخ آغازین ادبیات نمایشی ایران

میرزا فتحعلی آخوندزاده، در رساله *مکتوبات*، انقلاب را در معنای جدید آن و با نام «روولسیون» به کار می‌برد که دلالت بر شوریدن مردم بر ضد «رفتار بی‌قانون پادشاه دیسپوت و ظالم» و «پوچ بودن عقاید مذهبی» دارد (آخوندزاده، ۱۳۹۵، ۱۵)؛ اما مؤید الممالک فکری‌ارشاد در *نمایشنامه سرگذشت یک روزنامه‌نگار* (۱۲۹۳ خورشیدی) انقلاب را رویدادی که موجب «مشروطیت پادشاهی ایران» شد، تفسیر می‌کند (فکری‌ارشاد، ۱۳۷۹، ۷۱) که دال بر معنایی جدید از انقلاب است. در تضاد با این تفسیر، میرزاده عشقی نیز، در پایان دوره قاجار، در *نمایشنامه ایده آل پیرمرد دهگانی* یا *سه تابلوی مریم* نیز مفهوم انقلاب حقیقی را انقلابی می‌داند که «نماید چو چشم‌های لنین» (عشقی، ۱۳۸۶، ۲۶۵)؛ در این انقلاب تمامی خائنانی که زمانی طرفدار استبداد بودند و اکنون بنا به سود شخصی‌شان مشروطه‌خواه

در این اثر در عمل و فکر شخصیت‌ها بازتاب می‌یابد؛ چنان‌که زنی عامی به نام «ئه‌رش» می‌گوید: «ای خدائی که یکتایی و بی‌همتایی [...] بخواه تا یکتاپرستان بی‌لشگر در مصاف با لشکر کفر، بنیان ظلم ظالمان دقیانوسی را با خاک یکسان کنند» (استادمحمد، ۱۳۹۶، ۳۳). انقلابیون خواهان آن‌اند که با «آگاه‌کردن» و «سلح‌کردن مردم» برای مبارزه با دقیانوس قیام کنند (استادمحمد، ۱۳۹۶، ۵۵). از نظر استادمحمد انقلاب به معنای غلبه یکتاپرستی و اراده و عده داده شده در قرآن بر ضد پادمفهومی به نام حاکم مشرک است و هدف آن برقراری قرآن و اسلام است. بر همین مبنا می‌توان گفت که معنای مفهوم انقلاب نزد استادمحمد در همزمانی و نزدیک به معنای انقلاب نزد امام خمینی^(۹) است و در ناهمزمانی با معنای انقلاب نزد هائتی.

معنای مفهوم «انقلاب» پس از رخداد انقلاب اسلامی ۱۳۵۸-۱۳۵۹
در سال ۱۳۵۸ با تشکیل مجلس خبرگان قانون اساسی، «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» نوشته می‌شود؛ در اصل اول آن «انقلاب اسلامی» مظهر اعتقاد دیرینه ملت ایران «به حکومت حق و عدل قرآن» تعریف شده است (مجموعه قانون اساسی...، ۱۳۹۵، ۴۰). در این سند، انقلاب عملی است از برای تأسیس امری قدیم و برآمده از قرآن؛ پس انقلاب بنا به آن حکومت حق و عدل قرآنی، امری مقدس به‌شمار می‌آید. اما در همان سال، فرامرز طالبی (۱۳۵۸) در اثری به نام *نمایشنامه‌های انقلاب* روایت‌گر تعریفی از انقلاب می‌شود که در ناهمزمانی با سند یادشده و مبتنی بر ستیز مارکسیستی با امپریالیسم است. او روایت‌گر موضوعات زیر است: حمله ساواک به چریکی که هدفش «آزادی خلق» بود (طالبی، ۱۳۵۸، ۳۳)، فعالیت انقلابیون «ضد شاه» و «امپریالیسم» (طالبی، ۱۳۵۸، ۳۷)، «شورش کارگر» علیه رئیس کارخانه (طالبی، ۱۳۵۸، ۵۰)، ضدیت با کمونیست‌ها و «مارکسیست‌های اسلامی» (طالبی، ۱۳۵۸، ۶۴)، تظاهرات مردم در دفاع از «آیت‌الله خمینی (ره)» (طالبی، ۱۳۵۸، ۷۷)، دفاع از مارکسیست‌های طرفدار «خسرو گل‌سرخ» (طالبی، ۱۳۵۸، ۱۲۹)، دفاع از نیروهای انقلابی و «مترقی» بر ضد «ساواکی‌ها» (طالبی، ۱۳۵۸، ۱۳۵)، دفاع از «مسعود رجوی» (طالبی، ۱۳۵۸، ۱۴۰) و «تأسیس ارتش خلقی» (طالبی، ۱۳۵۸، ۱۵۲). انقلاب در این نمایشنامه با توجه به مضامینی چون ستیز با امپریالیسم، مترقی‌بودن، توده، خلق و چریک عملی به‌جهت برقراری آرمان‌های مارکسیستی است؛^{۱۱} و مهمترین هدفش نابودی پادمفهوم انقلاب، یعنی امپریالیسم (حکومت پادشاهی و آمریکا) است.

در تضاد با این تعریف مارکسیستی از مفهوم انقلاب، عباس فرحبخش (۱۳۵۸) در نمایشنامه حر بر این مهم تأکید می‌ورزد که انسان به آزادی می‌رسد اگر تفسیری انقلابی از خویش داشته باشد؛ بدین معنا که «تمامی خصلت‌های اجتماعی و طبقاتی و خانوادگی و حتی موروثی خویش» را نفی کند (فرحبخش، ۱۳۵۸، ۹) و با چیرگی بر حدود ملیت و ملت خویش، به‌سوی به حرکت درآوردن «امت اسلامی» رود (فرحبخش، ۱۳۵۸، ۴۵). بر این مبنا، حر که جزو جنگجویان بزرگ سپاه یزید بود، به یاران امام حسین، که معتقد بود «جامعه‌ای که ستم کند و سودجویانش بهره‌کشی نماید، محکوم به زوال است» (فرحبخش، ۱۳۵۸، ۱۰۹)، می‌پیوندد. فرحبخش همچون علی شریعتی، امام حسین را «وارث آدم» می‌داند؛ زیرا «وراثت حسین [...] وراثت تمامی انقلاب‌های تاریخ انسان است» (شریعتی، ۱۳۹۴، ۲۸)؛ پس لازم است که کنش انقلابی بر هر باور غیرشیعه

که «ارمغانش تبعیض و ظلم و محرومیت و رنج و عبودیت و بردگی نسلهاست» (فرحبخش، ۱۳۵۸، ۶۸) چیره شود. در حر، انقلاب با واقعه کربلا پیوند دارد؛ زمانمندی این مفهوم برخلاف نمایشنامه طالبی، جدید و گسسته از قدیم نیست، بلکه در همزمانی با امری قدیم و اعمال انقلابی در صدر اسلام و تاریخ تشیع است.

رجب محمدین (۱۳۵۹) در جدالی دیگر (۱۳۵۹) انقلاب را به‌عنوان شورش ضروری رعیت به جهت از میان بردن ارباب ستمگر، تعریف می‌کند؛ او سرگذشت مردی به نام «بندو» را روایت می‌کند که به دلیل ناسازگاری با حاکم و کشتن سرکرده سپاه، به زندان افتاده است؛ مقامات دربار نیز حاکم را قادر مطلق می‌دانند که «از پنجره کاخش ما را می‌نگرد و خورشید را می‌برد و شب را می‌آورد» (محمدین، ۱۳۵۹، ۶)؛ در چنین وضعیتی شورش کردن رعیت بر ضد ارباب قادر مطلق ضروری است؛ پس انقلاب تنها به معنای برانداختن پادمفهومی به نام ستمگر نیست، بلکه بنده کردن حاکم در برابر قادر مطلق حقیقی نیز است.^{۱۲}

در این دوره قلمرو معنای انقلاب در حال گسترش یافتن است؛ زیرا انقلاب نه تنها دلالت بر عدالت اجتماعی، بسط اسلام و قوانین قرآن و ستیز با امپریالیسم جهانی دارد، بلکه به معنای سیطره قلمرو قادر مطلق بر انسان نیز است. به لحاظ همزمانی، بسیط‌شدن نیروی انقلاب، از نظر نظامی و سیاسی، در قانون مصوبه مجلس شورای اسلامی موسوم به «قانون ادغام سازمان بسیج ملی (مستضعفین) در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» هم مشاهده می‌شود (قانون ادغام سازمان بسیج ملی...، ۱۳۵۹)؛^{۱۳} هدف این قانون آن بود که سازمان بسیج جزوی از سازمانی که دارای پیشوند «انقلاب اسلامی» است شود تا نیروی محافظت‌کننده و تعینات انسانی-مادی مفهوم انقلاب، گسترش یابد (مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۱).^{۱۴}

معنای مفهوم «انقلاب» در سال‌های ۱۳۶۰-۱۳۶۹

در تداوم این گسترش، محسن مخملباف (۱۳۶۰) در نمایشنامه شیخ شهید وقایع پس از فرمان مشروطه را بازنمایی می‌کند؛ او با تأکید بر دفاع حمایت محمدعلی‌شاه و روس‌ها از شیخ فضل‌الله نوری، که آخرین سنگر مقاومت بر ضد مشروطه‌خواهانی چون سید حسن تقی‌زاده - که بنا به ادعای نویسنده مورد حمایت انگلستان- بود، نشان می‌دهد که حقیقت انقلاب چیزی جز حکومت قانون اسلام و «نظارت علما بر قوانین» نباید باشد (مخملباف، ۱۳۶۰، ۷۰). جز این، هر قانونی یا قانونی است غربی و یا استبدادی؛ این پادمفاهیم در گفتار ستارخان چنین نمایان می‌شوند که «مشروطه [به‌عنوان پدیده‌ای غربی] همان استبداد» است (مخملباف، ۱۳۶۰، ۱۱۲). از همین‌رو می‌توان گفت که مفهوم انقلاب در این اثر دلالت بر عمل روحانیونی دارد که خواستار برقراری حکومت مشروطه و قوانین اسلامی بودند.^{۱۵}

در همین سال، که از نظر بنی‌صدر سال «مرگ آزادی‌ها و بازسازی استبداد» (بنی‌صدر، ۱۳۶۰، ۲۴) بود، انقلاب واقعی به معنای ایجاد و استقرار یک «ایدئولوژی جدید» به جای «ایدئولوژی و بیان عمومی پیشین» تعریف می‌شود که هدف آن باید همراهی با «ضروریات‌های رشد جامعه و انسان در جامعه» به جهت از میان بردن «اسطوره» شدن رهبران و به‌دست آوردن «آزادی ایران و رشد مردم» باشد (بنی‌صدر، ۱۳۶۰، ۱۹۶)؛^{۱۶} درواقع معنای انقلاب برای بنی‌صدر، در ناهمزمانی با معنا انقلاب نزد مخملباف، مبتنی است بر اسطوره‌زدایی از فرد و دادن شأن اسطوره‌ای به مفهومی به نام مردم

«انقلاب-گسست» مدرسی یزدی و جعفری - که گسست از ایران باستان و هر امر غیراسلامی بود- شکست خورد.

به لحاظ در زمانی، معنای مفهوم انقلاب در نمایشنامه درمندان نوشته میثاق امیرفجر واجد لایه‌های دیگری می‌شود؛ از نظر امیرفجر انقلاب دلالت بر «وجدان بشری» و ضدیت با «حیله‌گری سیاسیون و امنیتی‌ها» دارد (امیرفجر، ۱۳۶۴، ۲۵۸). او در این نمایشنامه روایت گر عذاب جسمانی و وجدانی پدری است که گرچه کوشیده بود بر دستش «بیرق فرهنگ، آگاهی و هشدار» به مانند «درفش کاویانی» باشد تا «کاخ‌های دروغ را با خاک یکسان» کند (امیرفجر، ۱۳۶۴، ۲۵۷)؛ اما به دلیل وعده‌های فریبنده دولت و ساواک، پسر انقلابی‌اش را به آنان تحویل داد تا «ارشاد و هدایت» شود (امیرفجر، ۱۳۶۴، ۲۵۷). او که پسرش توسط نیروهای ساواک کشته می‌شود، انقلاب را راهی برای زدودن فقر و حیله سیاسیون و امنیتی‌ها می‌داند. در این اثر، انقلاب به جهت رهایی از معذب‌بودن وجدان افرادی است که فریب سیاسیون را خورده بودند؛ هدف انقلاب آن است که نه تنها عدالت و آزادی را در جامعه تحقق بخشد، بلکه عذاب وجدان که امری درونی و فردی است را نیز از میان بردارد؛ پس انقلاب دلالت بر همزمانی و دگرگونی جهان درونی و بیرونی شخص دارد.

این امر در اندیشه مسعود رجوی نیز قابل مشاهده است؛ او با ستایش از «دکتر علی شریعتی»، معتقد بود که «قدرت عقیدتی و علو روحی و خصایص اخلاقی» در «چارچوب سازمان و تشکیلات، به قدرت عمل انقلابی و توانایی آتش منجر می‌شود» (اظهارات رادیو «مجاهد»، ۱۳۶۴، ۴). درواقع عمل انقلابی زمانی اهمیت می‌یابد که فرد و سازمان - یا درون و بیرون - یگانه شوند تا بتوانند هر آن نیروی گسست‌افکن میان درون و بیرون را، از جمله سیاسیون ناعادل و یا «ارتجاعیون» متضاد با مارکسیست اسلامی را از بین ببرند (اظهارات رادیو «مجاهد»، ۱۳۶۴، ۵).

همزمانی یادشده در سال ۱۳۶۵ و در نمایشنامه آهسته با گل سرخ اکبر رادی (۱۳۸۸) نیز مشاهده می‌شود. در این اثر جلال از روستایی در گیلان برای تحصیل در دانشگاه به تهران آمده است و نزد خانواده عموی سرمایه‌دارش زندگی می‌کند؛ او با مشاهده تضاد طبقاتی و سرمایه‌داری برآمده از دزدی و غصب اموال دیگران، دچار تحولات درونی شده و همزمان با تظاهرات مردم انقلابی در تهران، در تضاد با افکار غرب‌زده و منافع خانواده عمویش قرار می‌گیرد؛ پس از این آگاهی است که در میان مردم انقلابی حاضر می‌شود و «تو لوله تفنگ یه سربازی گل» سرخی می‌گذارد (رادی، ۱۳۸۸، ۳۱۹)؛ در نمایشنامه رادی انقلاب، در معنایی سوسیالیستی و برابر پادمفاهیمش یعنی سرمایه‌داری، غرب‌زدگی، فاشیسم، تضاد طبقاتی قرار می‌گیرد و به‌طور کل به‌عنوان کنشی سلبی تعریف می‌شود؛ یکی از اهداف این کنش - برخلاف وحدت فرد و سازمان نزد رجوی- بازگرداندن و یادآوری زیبایی برآمده از طبیعت بکر روستایی است که مناسبات جدید شهری در آن حاکم نشده است. جلال به‌عنوان قهرمان نمایشنامه و فردی انقلابی در آخرین جملاتش در این نمایشنامه می‌گوید: «زیبایی... مثل گل سرخه، مثل بوی نارنج و ریگ‌های شسته با به ملودی آبی... بخار نوری که توی تاریکی آهسته و آهسته» (رادی، ۱۳۸۸، ۳۶۹). بومی‌گرایی رادی و میل بازگشت قهرمان شهیدشونده او به خاستگاه طبیعی‌اش، همزمان در دوره‌ای رخ می‌دهد که از نظر آیت‌الله منتظری مسیر طبیعی انقلاب توسط «اپورتونیست‌ها و فرصت‌طلب‌ها» منحرف

مسلمان.

گسترش در زمانی و همزمانی ناهمزمان معنای انقلاب اسلامی در نمایشنامه آسیابان نوشته مهدی مدرسی یزدی آشکار است. نویسنده با «دروغگو» نامیدن «تاریخ» ادعا می‌کند که «آسیابان یزدگرد را به خاطر ثروت» نکشت و «استقلال ایران با مرگ شاه» از میان نرفت، بلکه تاریخ، «رنج و ستم‌دگی آسیابان» را نادیده انگاشت (مدرسی یزدی، ۱۳۶۱، ۱۰۲). در روایت او جامعه دوره یزدگرد سوم، مبتنی بر نظام ارباب-رعیتی، موجب شده بود که «برابری» محقق نشود. نویسنده با تبلیغ ایده «برابری» پیامبر^(ص) (مدرسی یزدی، ۱۳۶۱، ۱۰۸)، از زبان شاگرد نانوا وعده می‌دهد که «مردم ما حسابشان را از حساب حکومت‌ها و شاهانشان جدا کرده‌اند [...] این پابره‌نه‌های پناه‌آورده به اسلام و خدای یگانه هستند که پیروز می‌شوند» (مدرسی یزدی، ۱۳۶۱، ۱۳۵-۱۳۶). در این نمایشنامه، آسیابان به دلیل اسلام‌آوردن و میل به تحقق برابری است که یزدگرد سوم را به قتل می‌رساند و راه ورود نیروی غیرایرانی به ایران را چنان هموار می‌کند تا انقلابی اسلامی بر ضد زرتشتیت و پادشاهی در کشور رخ دهد؛ در این معنا، انقلاب یعنی تقدم دین و ایده برابری بر کشور و اختلاف طبقاتی. از همین رو انقلاب در همزمانی با امر قدیم و حقیقی‌ای چون اسلام و در ناهمزمانی و تضاد با سنت‌های غیراسلامی و حذف‌کننده بخش‌های غیرشیعی ایران و ایرانی قرار می‌گیرد.

یکی از درونمایه‌های این اثر، گسترش یافتن انقلاب و فراملی‌بودن آن است؛ جلال‌الدین فارسی نیز در سال ۱۳۶۱ معتقد بود که «انقلاب ما [...] نه میهنی بلکه انترناسیونالیستی است» و «امت اسلامی» را در بر خواهد گرفت (فارسی، ۱۳۶۱، ۱۱)؛ اما احسان طبری می‌پنداشت که «انقلاب ایران» نه اسلامی بلکه جزو «جنبش‌های رهایی بخش ملی خلق‌های جهان سوم» است و آن را باید «ضد امپریالیستی» و سراسر «نوین» فهمید (طبری، ۱۳۸۶، ۲۷۲-۲۷۳)؛ این تعریف از انقلاب دلالت بر گسست از قدیم - چه اسلام و چه مشروطه - دارد. زمانمندی مفهوم انقلاب در اندیشه مدرسی یزدی و طبری بر گسست از قدیم تعریف می‌شد، اما محتوای قدیم نزد آنان متفاوت بود. نزد مدرسی یزدی قدیم حقیقی بر قدیم غیراسلامی چیره می‌شود، اما نزد طبری قدیم سراسر باطل و نماد تضاد طبقاتی است، پس یکسره باید از میان برود و امری جدید بر آن سیطره یابد؛ بر همین اساس آشکار است که معنای مفهوم انقلاب میان دو نویسنده یادشده اگرچه همزمان هستند اما به لحاظ معنایی دچار ناهمزمانی‌اند؛ انقلاب نزد یکی رو به سوی گذشته اسلامی و گسست از ایران باستان و نزد دیگر فقط رو به سوی آینده است. گسست انقلاب از قدیم غیراسلامی (ایران باستان)، در تراژدی کسری مجید جعفری، که در سال ۱۳۶۲ نگاشته شده بود، تداوم می‌یابد؛ از نظر او دلیل آمدن محمد (ص) به ایران و عدم مقاومت ارتشیان خسروپرویز در برابر پیامبر (ره)، این بود که «مرد عرب» وعده داده بود که «ستم هرگز پایدار نمی‌ماند و ستمگر بر جای...» [تفاوتی میان مردمان نیست] (جعفری، ۱۳۶۶، ۴۲). انقلاب به معنای اراده‌ای است معطوف به تحقق ایده برابری که دین اسلام نویدش را داده بود. از همین رو است که مردم شاه را تنها می‌گذارند و به «انقلاب محمد^(ص)» می‌پیوندند (جعفری، ۱۳۶۶، ۴۴). همزمان با این معنا از انقلاب اعضای حزب توده نیز محاکمه می‌شدند؛^۷ درواقع جدال همزمان میان دو معنای ناهمزمان از انقلاب آشکارتر از پیش شده بود و روایت «انقلاب-گسست» احسان طبری در برابر روایت

شده و «کودتایی خزنده» در حال رخ دادن بود؛ زیرا «بچه‌های انقلابی» کنار گذاشته شده و آنان که پیش‌تر «انقلاب را مسخره می‌کردند»، صاحب قدرت شده بودند (منتظری، ۱۳۷۹، ۵۳۵).

سالی پس از آن، نصرالله قادری (۱۳۶۶) در نمایشنامهٔ وقت پیچاپیچ، عوامل منحرف‌کنندهٔ انقلاب را نه نیروهایی از درون انقلاب بلکه نیروهای به جامانده از ناحیهٔ بیرون انقلاب می‌داند. از نظر قادری انقلاب رویدادی منحصر به سال ۱۳۵۷ نیست، بلکه باید تداوم یابد تا سرانجام نیروهای ضد انقلاب، پاکسازی شوند. در این نمایشنامه جوانی عکاس با دو مردی که «طاغوتی» و «ضد انقلاب» هستند (قادری، ۱۳۶۶، ۷)، دیدار می‌کند تا با ارائهٔ عکس‌ها و اطلاعاتی از جبهه‌های جنگ میان ایران و عراق، بتواند از حمایت مالی آن دو مرد و کمک به جهت «اخذ ویزای آمریکا» (قادری، ۱۳۶۶، ۱۵) برخوردار شود؛ اما سرانجام در این تصمیم مردد می‌شود و مکان و تمایلات نیروهای ضد انقلابی را برای نیروهای انتظامی افشای می‌کند. از نظر نویسنده وقتی انقلاب اسلامی در خطر است، لازم است که نیروهای انقلابی همچنان بر تداوم انقلاب اصرار ورزند تا پاکسازی به‌طور کامل انجام شود. در این اثر مفهوم انقلاب، دارای پادمفاهیمی چون عراق بعثی، آمریکا و طاغوت است. این نشان می‌دهد که انقلاب ناب زمانی رخ می‌دهد که مفاهیم و نیروهای دشمن یک‌سر از میان بروند.

به لحاظ هم‌زمانی باید اشاره کرد که در این سال مهدی بازرگان اعلام کرد، اینکه هدف انقلاب «دفاع از مستضعفین و دشمنی با مستکبرین» شد ناشی از تلاقی اسلام و مارکسیسم بود (بازرگان، ۱۳۹۱، ۳۸۶)؛ از نظر رئیس دولت موقت، از سال ۱۳۵۷ انحرافی در معنای واقعی انقلاب، «که ارمان غرب» بود و هدفی جز «پیشرفت و ترقی ملت» نداشت (بازرگان، ۱۳۹۱، ۳۹۰)، به وجود آمده است. این قیاس نشان می‌دهد که در این سال دو تعریف ناهم‌زمان از مفهومی هم‌زمان، که یکی رو به سوی ستیز با آمریکا و با ایرانیان ناباور به انقلاب دارد و دیگری رو به سوی نقد اسلام‌گرایی و مارکسیسم، در میدان اجتماعی ایران در برابر یکدیگر قرار گرفته بودند.

یک سال پس از نمایشنامهٔ یادشده، هواس پلوك (۱۳۶۷)، برخلاف قادری و به مانند نمایشنامه‌نویسانی چون حسین مختاری و محسن مخملباف، مفهوم انقلاب را در تاریخ معاصر و رویدادهای سیاسی حوالی تأسیس مشروطه موضوع اثر خود قرار می‌دهد؛ با این تفاوت که مکان انقلاب و کنش‌های انقلابی نه در تهران و یا روستایی نامعلوم بلکه در کرمانشاه است. *داخدااران* روایت گر تسلط «قنسل انگلستان» بر مردم کرمانشاه است؛ قنسل مردم را با پول می‌فریبد تا به کار کشت خشخاش بپردازند تا بتواند تریاک به دست آمده را به همان مردم بفروشد؛ و آنان را معتاد و وابسته به قنسل‌گری انگلستان کند. در این میان مردی به نام «نظام» که از قداره‌بندان شهر است و به قرآن و آیین امام حسین پایبند، مردم را ترغیب می‌کند تا بر ضد دولت ایران و قنسل‌خانهٔ انگلستان قیام کنند. نظام که باور دارد «کتابمان قرآن»/ مجلسمان ایران»/ زنده باد قرآنمان/ پاینده ایرانمان» (پلوك، ۱۳۶۷، ۱۱)، انقلاب را به معنای قیام مردم تحت سلطه و باورمند به قرآن بر ضد پادمفهوم انقلاب، یعنی نیروهای استعمارگر داخلی و خارجی، تعریف می‌کند. هدف انقلاب مسلط کردن آیین و دین اسلام است و نیروهای آن، نه روشنفکران و روحانیون بلکه مردم عادی و مذهبی هستند. انقلاب در نظر پلوك از تمامی رویکردهای نخبگانی تهی است و باید در هم‌زمانی با امری قدیم و متعالی به نام قرآن و اسلام باشد.

باور به پیوستگی میان انقلاب با امر متعالی در نامهٔ امام خمینی^(د) (۱۳۸۹ ب) به علمای حوزهٔ علمیه که مشهور به منشور روحانیت است نیز نمود می‌یابد؛ با این تفاوت که در این نامه بر وحدت میان روحانیت مدرس و «طرفدار اسلام ناب و انقلاب» با «طلاب عزیز انقلابی و زحمت کشیده و کتک خورده و جبهه‌رفته» تأکید می‌شود تا «ابر قدرت‌ها و نوکرانشان» نتوانند «مسائل را به نفع خود خاتمه» دهند (خمینی، ۱۳۸۹ ب، ۲۸۸). در واقع بنا به نظر رهبر انقلاب، اهمیت پیوستگی میان روحانیت با انقلاب بیش از تفسیر افرادی چون پلوك در باب پیوستگی انقلاب با مردم در دورهٔ مشروطه بود؛ البته این اهمیت تنها محدود به موارد یادشده نبود، بلکه در نامهٔ انحلال حزب جمهوری در سال ۱۳۶۶ نیز، معنای انقلاب با وحدت و عدم وجود تضاد و مخالفت میان نیروهای حاکم، قرابت یافت^{۱۸} (رضوانی، ۱۴۹۶).

در تاریخ سیاسی این دوره، پس از اینکه در سال خردادماه ۱۳۶۷ هیئت پارلمانی انگلیس با هدف «بهبود روابط میان انگلیس و ایران» (نوزانی، ۱۳۸۱، ۴۶۴) عازم ایران شد و رهبر انقلاب نیز در بیست‌ونهم تیرماه همان سال، قطعه‌نامهٔ ۵۹۸ را به نشانهٔ پایان جنگ ایران و عراق پذیرفت و در نامه‌ای «خطاب به ملت ایران» انقلاب اسلامی را امری ناتمام معرفی کرد که می‌بایست با «مبارزهٔ علمی و عملی» وفق آن را عینیت بخشید (نوزانی، ۱۳۸۱، ۴۶۹) علیرضا درویش‌نژاد (۱۳۸۶) در نمایشنامهٔ *نار آغز انقلاب* را عملی ضروری تلقی کرد که باید موجب براندازی استعمارگری دولت و انگلستان شود. در نگاه این نمایشنامه‌نویس رضا شاه تفاوتی با انگلیس نداشت؛ زیرا نمایندهٔ حکومت در ترکمن صحرا می‌خواست اسبی را که مورد توجه یکی از فرماندهان ارتش بریتانیا قرار گرفته بود، «به زور» از دارندهٔ آن بگیرد. از همین‌رو مردم ترکمن صحرا نیز بر ضد نمایندهٔ حکومت قیام می‌کنند و او را از میان می‌برند. کنش انقلابی مردم معطوف به حفظ وضعیت طبیعی و مناسبات درون قومی خود است و موجب پدیدآمدن هیچ امر نوینی نمی‌شود؛ انقلاب با اتکا به ارزش‌های بومی مردم تعریف و وضعیت قدیم بر جدید چیره می‌شود.

آن افق انقلاب که پیش‌تر به آن اشاره شد پس از فوت امام خمینی^(د) و در نخستین دیدار دومین رهبر انقلاب اسلامی، آیت‌الله خامنه‌ای^(د) با نخست وزیر سوریه (۱۳۶۸/۴/۱۵) چنین آشکار می‌شود؛ رهبر جدید انقلاب با تأکید بر اینکه «آرمان‌های آن بزرگوار [امام خمینی^(د)] همان آرمان‌های انقلاب است»، آن آینده را، به عنوان «مقابلهٔ قاطعانه با رژیم غاصب و صهیونیستی اسرائیل» - به عنوان پادمفهوم انقلاب اسلامی - طرح‌اندازی می‌کند (دیدار نخست وزیر سوریه با...، ۱۳۶۸)۱۹.

در این دوران جدید که افق انقلاب، بیش‌ازپیش مشخص شده است، نورالله حسین‌خانی (۱۳۶۹) - که از طرفداران فداییان اسلام، هیئت مؤتلفه و عضو حزب جمهوری اسلامی بود - نمایشنامه‌ای به نام *خرداد خونین* می‌نویسد و انقلاب را به معنای تداوم راه امام حسین تعریف می‌کند که باید منجر به چیرگی روحانیت و مذهب بر تمامی امور زندگی شود. از نظر نویسنده برای رسیدن به این هدف والا نبرد مسلحانه جایز و مقدس است. نویسنده روایت گر قیام مردم در دفاع از امام خمینی^(د) و بر ضد شاه است. همچنین در این نمایشنامه تمامی مفاهیمی چون «تمدن جدید» و «پیشرفت» (حسین‌خانی، ۱۳۶۹، ۱۵۷) پادمفهوم اسلام معرفی می‌شوند که باید بر علیه آنان شورید. در واقع، انقلاب در این سال پایانی دههٔ ۱۳۶۰، به معنای کنشی

اما در مورد پاسخ به پرسش‌های مقاله؛ می‌توان گفت که بر اساس بخش «معنای انقلاب» در جدول ۱ و به لحاظ در زمانی، معناشناسی تاریخی مفهوم انقلاب در نمایشنامه‌های منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۵۷) با دلالت بر اتحاد مسلحانه روشنفکران و روستاییان بر ضد حکومت و بی‌عدالتی آغاز می‌شود؛ پس از این، کنش مسلحانه هدفش را مشخص‌تر و معطوف به برقراری قوانین اسلام و یا نابودی امپریالیسم می‌کند. پیش از آغاز دهه ۱۳۶۰، مفهوم انقلاب در ادبیات نمایشی در میدان معنایی قوانین اسلامی و امپریالیسم‌ستیزی اسلام‌گرایان و مارکسیست‌ها بود؛ با این تفاوت که اسلام‌گرایان خود را در پیوستگی با انقلاب‌خواهی پیامبر^(ص) و امامان شیعه مشاهده می‌کردند و انقلاب را در هم‌زمانی با امر قدیم اسلامی می‌دانستند، یعنی باید بر هر امر قدیم غیراسلامی و هر امر جدیدی چیره شد. اما مارکسیست‌ها، انقلاب را یکسره از قدیم گسسته و در ناهم‌زمانی با آن یافتند. نزد آنان انقلاب دال بر تحقق آرمان ایدئولوژیک‌شان بود که می‌بایست بر هر امر قدیم و جدید غیرمارکسیستی و ناهم‌زمان با آن آرمان، غلبه کند. با آغاز دهه ۱۳۶۰ این جدال معنایی و سیاسی تداوم می‌یابد، با این تفاوت که اسلام‌گرایان با هجوم به سوی ایران باستان (دوره ساسانیان) و مشروطه، بیش‌ازپیش بر هم‌زمانی معنای انقلاب با امر قدیم و ضرورت تداوم آن در دوره جدید تأکید می‌ورزند. با اصل قرار گرفتن امر قدیم و

در ناهم‌زمانی با امر جدید تعریف می‌شود که هدفش استقرار هم‌زمانی با امر قدیم اسلامی بر ناهم‌زمانی با امر جدید است.

نتیجه‌گیری

پیش از نگارش نتیجه‌گیری با یادآوری دو پرسش این مقاله، یعنی معنای مفهوم انقلاب در نمایشنامه‌های دهه ۱۳۶۰ چیست؛ و نمایشنامه‌نویسان ایرانی چه تفسیری را از این مفهوم در آثار خود ارائه کردند؟ جدولی که نمایان‌گر پاسخ به این پرسش‌ها است، ارائه خواهد شد.

پیش از پاسخ به پرسش‌های مقاله، لازم به یادآوری است که آنچه در این مقاله آمد نشان می‌دهد که میان تاریخ و مفهوم همگرایی وجود دارد؛ پیش‌تر گفته شد که هر رویدادی، زمانی می‌تواند تبدیل به تاریخ شود که فرآیند مفهومی‌شدن را سپری کند. یعنی فراگیر شود، توسط کنش‌گران گوناگون مورد توجه قرار گیرد، معناهای گوناگونی را پدیدار سازد تا در نهایت بتوان آن را صورت‌بندی کرد و ویژگی‌های تاریخی‌اش را نشان داد؛ بر اساس این نظر کوزلک، می‌توان گفت که انقلاب رویدادی است تاریخی زیرا تبدیل به مفهوم شده است. پس اگر تفسیر معناشناسانه آن ضرورت می‌یابد، از این رو است که انقلاب به عنوان یک مفهوم واجد شأنی تاریخی و معنایی گوناگونی شده است.

جدول ۱. معناشناسی تاریخی مفهوم انقلاب در نمایشنامه‌های منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۵۷)

ردیف	نمایشنامه‌نویس	نمایشنامه	سال	پادمفهوم انقلاب	معنای انقلاب
۱	صادق هائمی	ولد کشته	۱۳۵۷	دولت، بی‌عدالتی	اتحاد روشنفکر و رعیت مسلح بر ضد دولت
۲	محمود استادمحمد	دقیانوس امپراتور شهر افسوس	۱۳۵۷	حاکم خودخداانگاری	کنش مسلحانه با هدف برقراری قوانین قرآن و اسلام
۳	فرامرز طالبی	نمایشنامه‌های انقلاب	۱۳۵۸	نظام پادشاهی و آمریکا	کنش مسلحانه برای ستیز با امپریالیسم
۴	عباس فرحبخش	حر	۱۳۵۸	تعلقات دنیوی و غیرشیعیان	کنشی اعتقادی برای تداوم انقلابات صدر اسلام
۵	رجب محمدین	جدالی دیگر	۱۳۵۹	ارباب، حاکم خودخداانگار	شورش رعیت بر ضد ارباب ستمگر و خودخداانگار
۶	محسن مخملباف	شیخ شهید	۱۳۶۰	غرب، استبداد، مشروطه	کنش حقیقت‌طلبانه روحانیون برای برقراری حکومت مشروطه
۷	مهدی مدرسی یزدی	آسیابان	۱۳۶۱	ایران باستان، حکومت پادشاهی، نظام ارباب-رعیتی، ادیان غیراسلام	تقدم بخشیدن به دین و ایده برابری بر کشور و نابودی پادشاهی و اختلاف طبقاتی
۸	مجید جعفری	تراژدی کسری	۱۳۶۲	ایران باستان، حکومت پادشاهی، دین زرتشت	تحقق ایده برابری وعده داده شده در اسلام
۹	میثاق امیرفجر	درمندان	۱۳۶۴	دولت و ساواک	کنشی برای رهایی از معذب‌بودن وجدان و برقراری عدالت و آزادی
۱۰	اکبر رادی	آهسته با گل سرخ	۱۳۶۵	سرمایه‌داری، غرب‌زدگی و حکومت پادشاهی	کنشی سلبی برای از میان بردن سرمایه‌داری، غرب‌زدگی و فاشیسم
۱۱	نصرالله قادری	وقت پیاپیچ	۱۳۶۶	پادشاهی‌خواهان، عراق بعثی و آمریکا	کنشی مداوم برای از میان بردن مخالفان داخلی و خارجی
۱۲	هواس پلوک	دخداران	۱۳۶۷	دولت، ارباب، انگلیس	ضدیت عوام با نیروهای استعمارگر برای مسلط کردن آیین اسلام
۱۳	علیرضا درویش‌نژاد	نار آغز	۱۳۶۸	حکومت پادشاهی، تجددخواهی، انگلیس	کنش مردمی و بومگرایانه بر ضد دولت تجددخواه و غربیان
۱۴	نورالله حسین‌خانی	خرداد خونین	۱۳۶۹	حکومت پادشاهی، تمدن جدید و پیشرفت	تداوم راه امام حسین برای چیرگی روحانیت و مذهب بر امور زندگی

(۱۳۶۳) - نیز وارد شد. از سویی دیگر، معانی دیگری از انقلاب که دلالت بر همزمانی با امور جدیدی چون پیشرفت و توسعه بر اساس اسلام بودند، کنار گذاشته شدند اما دلالت‌های ضدپروژوایی و ضدسرمايه‌داری انقلاب را از آن خود کردند.

سرانجام می‌توان گفت که مفهوم انقلاب به‌عنوان مفهومی بنیادین در ادبیات نمایشی دهه ۱۳۶۰، واجد جدالی معنایی و تاریخی در نمایشنامه‌ها بود؛ در این جدال برخی از معانی که قلمرو محدودی را در برمی‌گرفتند، از میان رفتند و یا در معانی‌ای که برای نمونه به کنش روحانیون و عامه مردم تأکید می‌کردند و توانستند قلمرو گسترده‌تری را در ناحیه‌های اجتماعی و تاریخی فتح کنند، استحاله یافتند. نمایشنامه‌نویسی انقلابی دهه ۱۳۶۰ اگرچه انقلاب را موضوع نمایشنامه قرار می‌دهد، اما به این امر محدود نمی‌ماند بلکه به لحاظ ایدئولوژیک و در این جدال همزمانی امور ناهمزمان در تلاش بود تا انقلاب را از برای حاکمیت بر قلمرو خصوصی و عمومی تداوم بخشد.

عناصری چون قرآن، اسلام، امت، عوام مسلمان، بومی بودن و واقعه کربلا در ساختار آن، معنای انقلاب در میانه و پایان دهه ۱۳۶۰ توانست تمامی تاریخ ایران - باستان، دوره اسلامی و تجدد - را دربرگیرد و تبدیل به معیاری از برای داوری گذشته شود. این نشان می‌دهد که معنای اسلام‌گرایانه از انقلاب توانست از یک‌سو با اخذ مضامین مارکسیستی چون عدالت (برابری) و امپریالیسم ستیزی، بر معنای مارکسیستی و سوسیالیستی از انقلاب چیره شود و در این جدال معنایی - که نمایانگر جدالی همزمان میان امور ناهمزمان بود - به پیروزی دست یابد.

این امر به لحاظ همزمانی نیز در تاریخ مفهوم انقلاب قابل مشاهده است؛ در قلمرو سیاسی و اجتماعی نیز، مفهوم انقلاب تا پایان دهه ۱۳۶۰ توانست معنای اسلام‌گرایانه خود را حاکم کند؛ و این مهم بر اساس شواهد یادشده به دو طریق رخ داد؛ از یک‌سو معنای اسلام‌گرایانه از انقلاب پس از تصویب قانون اساسی، نهادهایی چون مجلس شورای اسلامی و سازمان‌های نظامی را فراگرفت و سپس به قلمروهای دیگر اجتماعی مانند نهادهای علمی و آموزشی - مانند تأسیس شورای عالی انقلاب فرهنگی

پی‌نوشت‌ها

1. Reinhart Koselleck.
2. Hermann Lübbe.
3. Onomastik.
4. Semantik.
5. Das Bedeutete.
6. Diachronie und Synchronie: Gleichzeitigkeit des Ungeleichzeitigkeiten.
7. Die soziale Reichweite.
8. Konvergenz.
9. Revolution برآمده از زبان لاتین است که دلالت بر «تغییر و جابجاشدن یک شیء و حرکتی که به مبداء خود بازمی‌گردد، ایفا می‌شود. این واژه اصلاً در باب اجرام سماوی به کار بسته می‌شود و در کاربست علمی مراد اصلی لاتینی خود را که دلالت بر حرکت دورانی منظم و قانونمند ستارگان بود، نگه داشت» (پنجعلی‌پور و نجف‌زاده، ۱۴۰۳، ۸؛ از نظر آرنت (۱۳۸۱/۱۹۶۳)، Revolution نخستین بار در قرن هفدهم به عنوان اصطلاحی سیاسی به کار رفت؛ در ۱۶۶۰ در انگلستان، پس از سرنگونی پارلمان مدافع کرامول و «بازگشت رژیم پادشاهی» (آرنت، ۱۳۸۱، ۵۹-۵۸).

۱۰. پیش از ولد کشته، بهزاد فراهانی (۲۵۳۷) در نمایشنامه کوچ با اهمیت دادن به اعتراضات کارگری بر ضد سرمايه‌داری نشان می‌دهد که اعتصاب و اعتراض می‌تواند از عناصر انقلاب بر ضد سرمايه‌دار و دولت هستند.

۱۱. محمود دولت‌آبادی (۱۳۶۱) در نمایشنامه ققنوس در دفاع از عملیات مسلحانه چریک‌های متأثر از اندیشه امیر پرویز پویان - از بنیان‌گذاران سازمان چریک‌های فدایی خلق - نشان می‌دهد که مقاومت چریک‌ها و همکاری دیگر افراد با آنان موجب زوال ساواک و در نهایت پیروزی مردم بر نظام پادشاهی می‌شود.

۱۲. تاجبخش فنائیان (۱۳۶۱) در نمایشنامه آب (۱۳۶۰) نشان می‌دهد که با وقوع انقلابی که شعارش الله اکبر است و برآمدن دولتی که «طرفدار رعیت» است، رعیت می‌تواند اربابان ظالم خود را نزد کمیته و دادگاه ببرند. پس انقلاب اسلامی و چیرگی رعیت بر اربابان هم به معنای تفوق قشری بر قشر دیگر و هم چیرگی مظلوم بر ذات شر است.

۱۳. برای آگاهی از جزئیات این قانون که در تاریخ ۲۸/۱۰/۱۳۵۹ مصوب شد، نگاه کنید به: مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۱

۱۴. در ماده سوم از این قانون آمده است که: «ماده ۳. کلیه اعتبارات و امکاناتی که از طرف سازمان‌های دولتی و غیردولتی و افراد در اختیار سازمان مذکور [سازمان بسیج ملی (مستضعفین)] قرار گرفته در اختیار سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قرار می‌گیرد» (مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۱).

۱۵. حسین مختاری (۱۳۶۰) در نمایشنامه واقعه تنباکو، علاوه بر برتری دادن قوانین اسلام نسبت به اراده شاه و تجدد گرایی نشان می‌دهد که انقلاب یعنی وحدت مردم

با روحانیت و ضدیت با دولت پادشاهی و بیگانگان.

۱۶. بنی‌صدر و جبهه ملی ایران پسوند «انحراف» را به مفهوم انقلاب می‌افزایند؛ در بیانیه جبهه ملی ایران به مناسبت سومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، انقلاب به معنای «مبارزات آزادی‌خواهی و ملی [...] ملت علیه بیدادگری و ظلم» تعریف می‌شود که سرانجام باید «استبداد داخلی و استعمار خارجی» را از میان بردارد (بیانیه تحلیلی - انتقادی جبهه ملی ایران، ۱۳۹۷).

۱۷. برای آگاهی از محاکمات اعضای حزب توده نگاه کنید به: علی‌بابایی، ۱۳۸۸، ۵۸۳-۵۰۰.

۱۸. در نامه‌ای که به قلم «حجج اسلام سید علی خامنه‌ای و اکبر هاشمی رفسنجانی» نوشته شده بود، آمده است: «اکنون به فضل الهی نهادهای جمهوری اسلامی تثبیت شده [...] و آمادگی مردم حزب‌الله توطئه‌های ضدانقلاب داخلی و استکبار جهانی را بی‌اثر و کم‌خطر نموده است. لذا احساس می‌شود که وجود حزب، دیگر آن منافع و فواید آغاز کار را نداشته، و بعکس، ممکن است [...] موجب خدشه در وحدت و انسجام ملت گردد [...] لذا شورای مرکزی حزب [...] به این نتیجه رسید که مصلحت کنونی انقلاب در آن است که - حزب جمهوری اسلامی - تعطیل و فعالیت‌های آن به کلی متوقف گردد.» برای آگاهی از متن کامل نامه نگاه کنید به: رضوانی، ۱۳۹۶

References

- Abolhasan, B. (1988). *Betrayal of hope* [Khianat be omid]. Islamic Revolution Publications. (In Persian)
- Akhundzadeh, M. F. (2016). *Kamal al-Dawlah's writings and their appendices* [Maktoubat-e-kamalodowle va molhaghat-e- an] (A. A. Haghdar, Ed.). Literature Club. (Original work published 1970) (In Persian)
- Ali Babaei, D. (2009). *What happened in Iran in the last twenty-five years?* (From Bazargan to Khatami) [Bist-o-panj sal dar Iran che gozasht? (Az Bazargan ta Khatami)] (Vol. 9). Omid Farda Publications. (In Persian)
- Amirfajr, M. (1985). *The sufferers: Satanic comedy* [Dardmandan: Komedi-ye sheitani]. Amirkabir. (In Persian)
- Amir Amir Moezzi. (1983). *Moezzi's poems collection* [Divan-e ashaar-e Moezzi] (N. Haieri, Ed.). Nazar Marzban. (In Persian)
- Analytical-Critical Statement of the National Front of Iran. (2018). *An-*

- alytical-critical statement of the National Front of Iran* [Baianie tahlili-enteghadi-e Jebhe-ie-Meli-e Iran]. Publications Committee of the National Front of Iran. (In Persian)
- Arendt, H. (2002). *Revolution* [Enghelab] (E. Fouladvand, Trans.; 3rd ed.). Kharazmi Publications. (Original work published 1963) (In Persian)
- Bazargan, M. (2012). *Islamic revolution of Iran* (3) [Enghelab-e Eslami-e Iran] (Collection of Works, Vol. 24). Engineer Mehdi Bazargan Cultural Foundation. (In Persian)
- Deputy for Compilation, Revision and Publication of Laws and Regulations. (2016). *Collection of the constitution of the Islamic Republic of Iran* [Majmoueh qanoun-e asasi-e Jomhuri-e Eslami-e Iran] (4th ed., 2nd ed. of new ed.). Deputy for Compilation, Revision and Publication of Laws and Regulations. (In Persian)
- Darvishnejad, A. (1989). *Naz aghoz* [Naz aghoz]. Namayesh Publications. (In Persian)
- Dehkhoda, A. A. (1998). *Dictionary* [Loghatnameh] (M. Moein & S. J. Shahidi, Eds.; 2nd ed. of new ed., Vol. 3). Tehran University Institute and Publications. (In Persian)
- Dowlatabadi, M. (1982). *Phoenix: A play to read* [Ghoghnous: Yek namayshnameh baraie khandan]. Nashre No. (In Persian)
- Eshghi, M. R. I. A. (2007). *Mirzadeh Eshghi's plays with an analysis of his plays, a study of Eshghi's ability in creating plays, and an unpublished work by him* [Namayeshnameha-ye Mirzade-ye-Eshghi hamrah ba thlil-e asar-e namayehi, barresi-e tavanmandi-e Eshghi dar afarinesh-e namayeshnameha va asari az ou] (A. Miransari, Ed.). Tahouri Publications. (In Persian)
- Farahani, B. (1978). *Migration* [Kouch]. Baran. (In Persian)
- Farahbakhsh, A. (1979). *Hor* [Hor]. Islamic Culture Publishing House. (In Persian)
- Farsi, J. A. (1982). *Revolution and counter-revolution* [Enghelab va zed-e-enghelab]. Islamic Republic Party. (In Persian)
- Fanaean, T. (1988). *Water* [Aab]. *Soureh: Play Collection*, Office 3. Publications Unit of the Islamic Thought and Art Department. (In Persian)
- Fekri-Ershad, M. (1990). *Old rulers and new rulers: Three theaters by Moayed-ol-Mamalek Fikri-Ershad* [Hokam-e jadid va hokam-e qadim: Se theatr an Moaye-ol-Mamalek-e Fekri-Ershad] (H. Amjad, Ed.). Nila Publications. (In Persian)
- Ghaderi, N. (1987). *Conflict time* [Vaght-e pichapich]. *Soureh: Play Collection*, Office 8. Publications Unit of the Islamic Thought and Art Department. (In Persian)
- GhaemMagham Farahani. (n.d.). *Writings and letters of GhaemMagham* [Monshaat-e GhaemMagham] (H. F. Mirza, Comp.). Tehran Islamic Theological Bookstore. (In Persian)
- Hatefi, S. (1978). *Valadkoshte* [Valadkoshte]. Negah Publications. (In Persian)
- Havas, P. (1988). *Dekhdaran* [Dekhdaran]. Ministry of Culture and Islamic Guidance, Center for Performing Arts, Office for the Preparation, Compilation and Production of Dramatic Texts. (In Persian)
- Hosseinkhani, N. (1989). *Bloody June* [Khordad-e khounin]. Goharshad; Baharestan. (In Persian)
- Ifversen, J. (2011). About key concepts and how to study them. *Contributions to the History of Concepts*, 6(1), 65–88. <https://doi.org/10.3167/choc.2011.060104>
- Islamic Consultative Assembly. (1982, September 6). *Asasnameh-ye Sepah-e Pasdaran-e Enghelab-e Eslami* [Statute of the Islamic Revolutionary Guard Corps]. Islamic Parliament Research Center. <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/90112>
- Jafari, M. (1987). *The tragedy of Kasra* [Teragedi-e Kasra]. Jahad Daneshgahi Publications. (In Persian)
- Khomeini, R. (2010a). *Imam's book: Collection of Imam Khomeini's works (statements, messages, interviews, rulings, religious permissions, and letters)* [Sahife-ye-Emam: Majmoue asar-e-Emam Khomeini, baianat, mosabehe-ha, ahkam, ejazat-e-sharei va name-ha] (5th ed., Vol. 5). Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. (In Persian)
- Khomeini, R. (2010b). *Imam's book: Collection of Imam Khomeini's works (statements, messages, interviews, rulings, religious permissions, and letters)* [Sahife-ye-Emam: Majmoue asar-e-Emam Khomeini, baianat, mosabehe-ha, ahkam, ejazat-e-sharei va name-ha] (5th ed., Vol. 21). Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. (In Persian)
- Khomeini, R. (2013). *Tahrir ol-vasileh* (4th ed., Vol. 2). Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. (In Persian)
- Koselleck, R. (2006). *Begriffsgeschichten: Studien zur Semantik und Pragmatik der politischen und sozialen Sprache*. Suhrkamp Verlag.
- Brunner, O., Conze, W., & Koselleck, R. (Eds.). (1974). *Geschichtliche Grundbegriffe: Historisches Lexikon zur politisch-sozialen Sprache in Deutschland* (Vol. 1). Ernst Klett Verlag.
- Law on the Integration of the National Basij Organization (Mobilization of the Oppressed) into the Islamic Revolutionary Guard Corps. (1980). *Ghanoun-e edgham-e Basij-e meli "Mostazafin" dar Sepah-e pasdaran-e enghelab-e eslami*. Islamic Parliament Research Center. Retrieved May 2025, from <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/90112>
- Lübbe, H. (1975). Begriffsgeschichte als dialektischer Prozess. *Archiv für Begriffsgeschichte*, 19, 8–15. <https://dokumen.pub/download/literaturwissenschaft-als-begriffsgeschichte-97837873197189783787319893-.html>
- Mahmoudi Bakhtiari, B., & Zare, N. (2018). Reflection of the concept of the 1979 revolution in the play *Slow with Roses* based on the ideas of Michel Foucault. In M. H. Saghaeian (Comp.), *Theater and revolution: Collection of articles from the scientific research seminar on the study of Iranian theater after the Islamic Revolution* [Theater va enghelab: Majmoue maghalat-e seminar-e elmi-pajouheshi-e berresi-e theater-e Iran-e pas az enghelab] (pp. 10–28). Namayesh Publications. (In Persian)
- Makhmalbaf, M. (1988). *Martyr Sheikh (A play on the legitimate movement)* [Sheikh-e shahid: Yek namayeshnameh darbare-ye nehzat-e mashrouteh]. Publications of the Islamic Thought and Art Department. (In Persian)
- Matin, A. (2019). *Iranian student opposition to the Shah* [Tarikh-e jonbesh-e daneshjouian-e irani dar kharej az keshvar] (A. Azari, Trans.). Shiraze-ye Ketab-e Ma Publications. (Original work published 2002) (In Persian)
- Modarresi Yazdi, M. (1982). *Millworker* [Asyaban]. *Soureh: Play Collection*, Office 6. Publications of the Islamic Thought and Art Department. (In Persian)
- Moein, M. (2007). *Moein Persian dictionary* [Farhang-e Farsi-e Moein] (4th ed., Vol. 1). Edna Publications. (In Persian)
- Mohammadein, R. (1979). *Another controversy* [Jedali di gar]. Tekye Dowlat Publications. (In Persian)
- Mokhtari, H. (1988). *The tobacco event* [Vaghe-e-ye tanbakou]. Jahad

- Daneshgahi. (In Persian)
- Montazeri, H. A. (1990). *Part of the memoirs of the jurist and eminent authority* [Bakhshi az khaterat-e faqih va marja-e aalighadr Hazrat-e Ayatollah Montazeri]. Author. (In Persian)
- Nouzani, B. (2002). *Timeline of Iran's foreign policy: From January 1977 to August 1988* [Gahshomar-e siyasat-e khareji-e Iran: Az Dey mah-e 1356 ta Mordad mah-e 1367]. Islamic Revolution Documents Center Publications. (In Persian)
- Ostadmohammad, M. (2017). *Decianus of the Emperor of Ephesus* [Daghianous emperatour-e shahr-e Ephesus]. Cheshmeh Publications. (In Persian)
- Panjaliipour Kakroudi, M., & Najafzadeh, R. (2023). The history of the conceptual evolution of revolution: From Aristotle to political modernity. *Contemporary Political Essays*, 9(2), 7–31. <https://doi.org/10.30465/CPS.2024.48841.3389> (In Persian)
- Pourgholamhossein, M., & Mirheidari, M. R. (2018). Analysis of the dominant trends in revolutionary theater in Iran based on influential intellectual and philosophical discourses in the years before the revolution. In M. H. Saghaian (Comp.), *Theater and revolution: Collection of articles from the scientific research seminar on the study of Iranian theater after the Islamic Revolution* [Theater va enghelab: Majmoue maghalat-e seminar-e elmi-pajouheshi-e berresi-e theater-e Iran-e pas az enghelab] (pp. 109–124). Namag Publications. (In Persian)
- Radi, A. (2009). *Slowly with the red rose* [Ahesteh ba gol-e sorkh]. In On the blue stage [Rou-ye sahne-ye abi] (2nd ed., Vol. 3). Ghatreh Publications. (In Persian)
- Rezvani, H. (2017). *Iman's agreement with the closure of the Islamic Republican Party* [Movafeghat-e Emam ba ta'atili-e hezb-e Jomhourie eslami]. Political Studies and Research Institute. Retrieved May 2025, from <https://psri.ir/?id=7ltmtglp>
- Shariati, A. (2015). *Hussein, the heir of Adam* [Hossein, wares-e Adam] (Collection of Works, Vol. 19). Dr. Ali Shariati Cultural Foundation. (In Persian)
- Souzani Samarqandani. (1959). *Collection of poems by Souzani Samarqandani* [Divan-e ashaar-e Souzani-e Samarqandi] (N. Shahhosseini, Ed.). Amir Kabir Printing and Publishing Institute. (In Persian)
- Statements from Radio "Mujahid" about the martyred teacher Shariati and the followers of the teacher's way* [Ezharat-e Radio Mojahed darbareie moalem-e shahid Shariati va pouiandegan-e rah-e moalem]. (1985). (In Persian)
- Tabari, E. (2007). *Philosophical and social writings* [Neveshteha-ye falsafi va ejtemei] (Vol. 2). Mass Party of Iran Publications. (In Persian)
- Talebi, F. (1979). *Plays of revolution* [Namayeshnameha-ye enghelab]. Bidaran Publications. (In Persian)
- Tousi, K. N. (1967). *Nasseri ethics* [Akhlagh-e Nasseri] (A. Tehrani, Ed.). Javidan Publishing Organization. (In Persian)
- Visit of the Syrian Prime Minister with the Supreme Leader to offer condolences* [Didar-e nokhost vazir-e Souri-e ba magham-e mo'azam-e rahbari jahat-e arz-e tasliat]. (1989). The Office of the Supreme Leader. Retrieved May 2025, from <https://www.leader.ir/fa/archive?topic=1&y=1368&m=3&page=2>
- آخوندزاده، میرزا فتحعلی. (۱۳۹۵). *مکتوبات کمال‌الدوله و ملحقات آن* (علی اصغر حقدار، به اهتمام). باشگاه ادبیات.
- آرنت، هانا. (۱۳۸۱). *انقلاب* (عزت‌الله فولادوند، مترجم؛ چاپ سوم). انتشارات خوارزمی. (چاپ اثر اصلی ۱۹۶۳)
- ابوالحسن، بنی صدر. (۱۳۶۰). *خیانت به امید*. انتشارات انقلاب اسلامی.
- استاد محمد، محمود. (۱۳۹۶). *دقیانوس امپراتور شهر افسوس*. نشر چشمه.
- اظهارات رادیو «مجاهد» درباره معلم شهید شریعتی و پیوندگان راه معلم* (۱۳۶۴). امیرفجر، میثاق. (۱۳۶۴). درمندان. کمدی شیطانی. امیرکبیر.
- امیرمعزی. (۱۳۶۲). *دیوان کامل معزی*. تصحیح ناصر هیری. نظر مرزبان.
- بازرگان، مهدی. (۱۳۹۱). *انقلاب اسلامی ایران* (مجموعه آثار ۲۴). بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازگان.
- بیانیه تحلیلی-انتقادی جبهه ملی ایران. (۱۳۹۷). کمیته انتشارات جبهه ملی ایران.
- پلوک، هواس. (۱۳۶۷). *داختاران*. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز هنرهای نمایشی، دفتر تهیه و تدوین و تولید متون نمایشی.
- پنجعلی پور کاکرودی، مهدی و نجف‌زاده، رضا. (۱۴۰۳). تاریخ تحول مفهومی «انقلاب»: از ارسطو تا مدرنیته سیاسی. *جستارهای سیاسی معاصر*، ۱۵ (۲)، ۳۱–۷. <https://doi.org/10.30465/CPS.2024.48841.3389>
- پورغلامحسین، مرجان و حیدری، محمد رضا. (۱۳۹۷). تحلیل جریان‌های غالب تئاتر انقلابی در ایران با تکیه بر گفتمان‌های فکری، فلسفی مؤثر در سال‌های پیش از انقلاب. *تئاتر و انقلاب: مجموعه مقالات سمینار علمی پژوهشی بررسی تئاتر ایران پس از انقلاب اسلامی*، (مهدی حامد سقاییان، گردآورنده) (۱۰۹–۱۲۴). انتشارات نمایش.
- جعفری، مجید. (۱۳۶۶). *تراژدی کسری*. نشر جهاد دانشگاهی.
- حسین‌خانی، نورالله. (۱۳۶۹). *خرداد خونین*. گهرشاد: نمایشنامه در چهار پرده. بهارستان.
- خمینی، روح‌الله. (۱۳۸۹الف). *صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی (س)* (بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها) (جلد پنجم) (چاپ پنجم). مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- خمینی، روح‌الله. (۱۳۸۹ب). *صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی (س)* (بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها) (چاپ ۵، ج ۲۱). مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- خمینی، روح‌الله. (۱۳۹۲). *تحریر الوسیله* (چاپ ۲، ج ۳). مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- درویش‌نژاد، علیرضا. (۱۳۶۸). *ناز آغز*. انتشارات نمایش.
- دولت‌آبادی، محمود. (۱۳۶۱). *قنقوس*: یک نمایشنامه برای خواندن. نشر نو.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). *لغت‌نامه* (محمد معین و سید جعفر شهیدی، ویراستاران؛ دوره جدید، چاپ ۲، ج ۳). مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- دیار نخست وزیر سوریه با مقام معظم رهبری جهت عرض تسلیت. (۱۳۶۸). پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری. برگرفته در اردیبهشت ۱۴۰۴ از <https://www.leader.ir/fa/archive?topic=1&y=1368&m=3&page=2>
- رادی، اکبر. (۱۳۸۸). *آهسته با گل سرخ در روی صحنه آبی* (چاپ ۲، ج ۳). نشر قطره.
- رضوانی، حسین. (۱۳۹۶). ۱۱ خرداد. *موافقت امام با تعطیلی حزب جمهوری اسلامی*. مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی. <https://psri.ir/?id=7ltmtglp>
- سوزنی سمرقندی. (۱۳۳۸). *دیوان حکیم سوزنی سمرقندی*. تصحیح دکتر ناصرالدین شاه‌حسینی. موسسه چاپ و انتشارات امیرکبیر.
- شریعتی، علی. (۱۳۹۴). *حسین وارث آدم* (مجموعه آثار ۱۹). بنیاد فرهنگی دکتر علی شریعتی
- طالبی، فرامرز. (۱۳۵۸). *نمایشنامه‌های انقلاب*. نشر بیداران.
- طبری، احسان. (۱۳۸۶). *نوشته‌های فلسفی و اجتماعی* (چاپ ۳، ج ۲). انتشارات حزب توده ایران.
- طوسی، خواجه نصیرالدین. (۱۳۴۶). *اخلاق ناصری*. تصحیح ادیب تهرانی. سازمان انتشارات جاویدان.
- عشقی، محمدرضا بن ابوالقاسم. (۱۳۸۶). *نمایشنامه‌های میرزاده عشقی همراه با تحلیل آثار نمایشی*. بررسی توانمندی عشقی در آفرینش نمایشنامه‌ها و اثری منتشر نشده از او (علی میرانصاری، به اهتمام). انتشارات طهوری.
- علی بابایی، داود. (۱۳۸۸). *بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟ (از بازرگان تا تلمی)* (ج ۹). انتشارات امید فردا.
- فارسی، جلال‌الدین. (۱۳۶۱). *انقلاب و ضد انقلاب*. حزب جمهوری اسلامی.

معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات.
 محمدین، رجب. (۱۳۵۹). جنالی دیگر. نشر تکیه دولت.
 محمودی بختیاری، بهروز، و زارع، نیلوفر. (۱۳۹۷). بازتاب مفهوم انقلاب ۱۳۵۷ در نمایشنامه آهسته با گل سرخ با تکیه بر آرای میشل فوکو. در م. ح. سقاییان (گردآورنده)، *تئاتر و انقلاب: مجموعه مقالات سمینار علمی پژوهشی بررسی تئاتر ایران پس از انقلاب اسلامی* (صص. ۱۰-۲۸). انتشارات نمایش.
 مختاری، حسین. (۱۳۶۰). *واقعه تنباکو*. جهاد دانشگاهی.
 مخملباف، محسن. (۱۳۶۰). *شیخ شهید (نمایشی از نهضت مشروطه)*. واحد انتشارات حوزه اندیشه و هنر اسلامی.
 مدرسی یزدی، مهدی. (۱۳۶۱). *آسیابان*. سوره: مجموعه نمایشنامه (دفتر ششم). واحد انتشارات حوزه اندیشه و هنر اسلامی.
 معین، محمد. (۱۳۸۶). *فرهنگ فارسی معین* (جلد اول، چاپ چهارم). انتشارات ادنا.
 منتظری، حسینعلی. (۱۳۷۹). *بخشی از خاطرات فقیه و مرجع عالیقدر حضرت آیت الله منتظری*.
 نوزانی، بهرام. (۱۳۸۱). *گاه شمار سیاست خارجی ایران: از دی ماه ۱۳۵۶ تا مرداد ماه ۱۳۶۷*. انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
 هاتفی، صادق. (۱۳۵۷). *ولادت گشته*. انتشارات نگاه.

فراهانی، بهزاد. (۲۵۳۷). *کوچ باران*.
 قائم مقام فراهانی. (بی تا). *منشآت قائم مقام (شاهزاده معتمدالدوله حاج فرهاد میرزا، گردآورنده)*. کتابفروشی علمیه اسلامیة تهران.
 فرحبخش، عباس. (۱۳۵۸). *حر*. دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
 فکری ارشاد، مؤید الممالک. (۱۳۷۹). *حکام قدیم و حکام جدید: سه تیاتر از مؤید الممالک فکری ارشاد (حمید امجد، به اهتمام)*. انتشارات نیلا.
 فنائیان، تاجبخش. (۱۳۶۰). *آب سوره: مجموعه نمایشنامه (دفتر سوم)*. واحد انتشارات حوزه اندیشه و هنر اسلامی.
 قادری، نصرالله. (۱۳۶۶). *وقت پیچاپیچ سوره: مجموعه نمایشنامه (دفتر هشتم)*. واحد انتشارات حوزه اندیشه و هنر اسلامی.
 متین، افشین. (۱۳۹۸). *کنفدراسیون: تاریخ جنبش دانشجویان ایرانی در خارج از کشور ۱۳۳۲-۱۳۵۷ (ارسطو آذری: مترجم)*. انتشارات شیرازه‌ی کتاب ما. (تاریخ انتشار اثر اصلی ۲۰۰۲)
 مجلس شورای اسلامی. (۱۳۶۱، ۱۵ شهریور). *اساسنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی*. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/90112>
 مجموعه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۹۵). (چاپ چهارم، ویرایش دوم).